

## معرفی کتاب

## زندگی سیاسی و فرهنگی شیعیان بغداد

O فرهاد محمدیان

آبان  
کتاب ماه تاریخ و جغرافیا  
ماه  
۱۳۸۲

۷۵

در برمی‌گیرد. دوره دوم شامل دوران حکومت آل بویه از ۳۳۴ هـ تا ۴۴۷ هـ است. مؤلف در ادامه مقدمه، وضعیت زندگی شیعیان بغداد را از نظر سیاسی و فرهنگی در دوران حکومت امیران آل بویه به سه دوره تقسیم نموده است:

دوره اول: حکومت معزالدوله و فرزندش عزالدوله

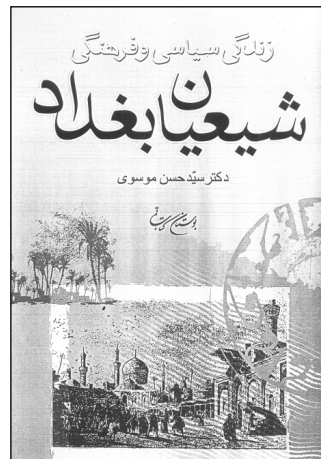
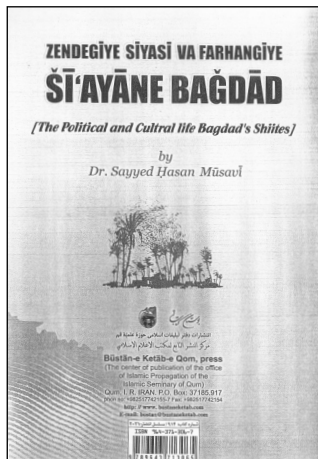
دوره دوم: تسلط عضدالدوله

دوره سوم: پس از مرگ عضدالدوله

عنوان فصل اول کتاب، «جغرافیای تاریخی بغداد» است که به بررسی حیات تاریخی و پیشینه اجتماعی این شهر می‌پردازد. مؤلف در این فصل با نهایت دقت، وضعیت جغرافیایی شهر بغداد

را قبل از بنای آن توسط منصور خلیفه عباسی بیان نموده است. در ادامه این فصل مؤلف به بررسی بافت شهری و ساختار اجتماعی بغداد پرداخته و ضمن ذکر محلات و مساجد مهم این شهر، به بازارها و نهرهای موجود در شهر نیز اشاره نموده است. در پایان این فصل مؤلف چندین نقشه از ساختار شهری بغداد، از جمله نقشه بغداد غربی و نقشه پل‌ها و محله‌های آن نیز ارائه نموده است.

در فصل دوم کتاب، مؤلف «زندگی سیاسی و فرهنگی شیعیان در دوره اول عباسی (۱۳۲ هـ - ۲۵۵ هـ)» را مورد بررسی قرار داده است. در این فصل ابتدا به چگونگی شکل‌گیری جامعه شیعی بغداد اشاره شده، سپس شکل‌گیری مذاهب اربعه اهل سنت و آغاز درگیری فرقه‌ای بین شیعه و سنی به خصوص



کتاب «زندگی سیاسی و فرهنگی شیعیان بغداد» حاصل تلاش چندین ساله آقای دکتر سیدحسن موسوی عضو هیأت علمی بخش تاریخ دانشگاه شیراز است. وی در این کتاب موضوع بدیع و تازه‌ای را مورد بررسی قرار می‌دهد. زیرا یکی از مراکز مهم مذهب شیعه در گذشته شهر بغداد بود. از زمان امام صادق (ع) به بعد، بیشتر ائمه اطهار (ع) از جمله امام هفتم و امام نهم مدتی هرچند کوتاه در این شهر اقامت داشته، یا توقف کرده‌اند.

همچنین دانشمندان و رجال شیعه بعد از بنای بغداد به آن شهر سفرهایی داشته یا مقیم این شهر

شدند. این شهر به تدریج به مرکز عمده شیعیان تبدیل شد، به خصوص در سده سوم و چهارم هجری با تسلط آل بویه، دانشمندان شیعه در این شهر به ریاست علمی، مذهبی رسیدند. حضور نواب اربعه در این شهر و ارتباط با مردم بر اهمیت این شهر به عنوان مرکز شیعیان افزود. به دلیل ویژگی‌های فوق، بررسی زندگی سیاسی فرهنگی شیعیان بغداد اهمیت و ضرورت خاص دارد و اثر حاضر به زندگی سیاسی، فرهنگی شیعیان بغداد و نقش برجسته آنان در اوضاع سیاسی، فرهنگی این شهر می‌پردازد.

کتاب از یک مقدمه و هشت فصل تشکیل شده است. مؤلف در مقدمه کتاب زندگی سیاسی و فرهنگی شیعیان بغداد را به دو دوره تقسیم نموده است. دوره اول از سال ۱۳۲ هـ تا ۳۳۴ هـ. سال تسلط احمد معزالدوله بر بغداد را

O زندگی سیاسی و فرهنگی شیعیان بغداد

O تألیف: دکتر سیدحسن موسوی

O ناشر: بوستان کتاب قم، قم، ۱۳۸۱، ۳۰۴ ص، ۱۸۰۰۰ ریال

فرقه حنبلیان با شیعیان مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. از جمله مؤلف به اقدامات ابومحمد حسن بن علی بر بهاری، رئیس حنبلیان بغداد علیه شیعیان اشاراتی دارد.

حضور ائمه اطهار (ع) در دوران خلفای عباسی و فعالیت برخی از آن بزرگواران (امام هفتم و امام نهم) در شهر بغداد، در بررسی اوضاع سیاسی - اجتماعی شیعیان این شهر از اهمیت به سزائی برخوردار است. و مؤلف این مهم را در بخش پایانی فصل دوم به طور مفصل تحت عنوان «امامان و خلفای عباسی» مورد بررسی قرار داده است. منصور دومین خلیفه عباسی بعد از سفاک برادرش به خلافت رسید. او به خوبی می دانست که مقتدرترین گروهی که می توانند پایه های حکومت و خلافت عباسیان را مورد تهدید قرار دهند، علویان هستند، بنابراین بعد از رسیدن به منصب خلافت، در صدد مبارزه با این گروه و سرکوبی آنان برآمد.

نویسنده در بخشی دیگر به موضوع سرکوبی قیام های علویان، محمد نفس زکیه و برادرش ابراهیم به وسیله منصور اشاره می کند. عکس العمل منصور در برابر امام صادق (ع) بعد از اینکه از مدینه به بغداد آورده شد و برخورد و مناظرات امام صادق (ع) با منصور خلیفه عباسی نیز از موضوعات مهم این بخش است.

در ادامه این بحث مؤلف به بررسی و تحلیل پذیرش ولیعهدی از جانب امام رضا (ع)

پرداخته و ضمن بیان برخورد مأمون با امام رضا (ع) و انتقال ایشان از مدینه به مرو، به تحلیل دلیل پذیرش ولیعهدی از جانب امام رضا (ع) می پردازد. مبحث پایانی این فصل در مورد نقش مأمون در شهادت امام رضا (ع) و برخورد متوکل با شیعیان، از جمله ویرانی مقبره امام حسین (ع) است.

فصل سوم کتاب، «زندگی سیاسی و فرهنگی شیعیان در عصر غیبت صغری» نام دارد. در این فصل ابتدا دوران امامت امام حسن عسکری (ع) و در پی آن چگونگی اعلام امامت امام مهدی (عج) مورد بررسی قرار گرفته است. سپس مؤلف به بررسی و معرفی شخصیت نواب اربعه می پردازد و ضمن بیان حوادث عصر نواب به فعالیت های سیاسی و دینی آنان اشاره می کند.

در بحث دیگر این فصل نویسنده به حضور مدعیان دروغین نیابت در شهر بغداد اشاره نموده و ضمن ذکر اسامی این مدعیان به بررسی و تحلیل یکی از مهم ترین این مدعیان به نام شلمغانی پرداخته است. در پایان این فصل مؤلف به بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی شیعیان بغداد و خلفای معاصر با آنان می پردازد.

عنوان فصل چهارم، «منصب نقابت و نقیبان علوی» است. در این فصل سیر تاریخی نقابت و وظایف نقیب مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین مؤلف به بیان و تحلیل انواع نقابت و وظایف هر کدام پرداخته و در پایان فصل به معرفی برجسته ترین نقیبای علویان در شهر بغداد می پردازد.

آنچه در این فصل قابل توجه و دقت است، کوشش و تلاش گسترده سیدرضی و برادرش سیدمرتضی، از نقیبان برجسته علوی شهر بغداد در جهت حفظ موقعیت شیعیان است.

فصل پنجم، «زندگی علمی - اجتماعی و مبارزات عقیدتی بزرگان شیعی بغداد در عصر اختناق و دوران غیبت صغری» است. در این فصل نویسنده به معرفی و بررسی شخصیت های برجسته علمی و دینی شیعیان در شهر بغداد پرداخته و ضمن بیان فعالیت های اجتماعی آنان، به تألیفات علمی و دینی این بزرگان اشاره نموده است. از جمله به معرفی شخصیت های علمی و دینی چون محمدبن یعقوب کلینی، ابوسهل اسماعیل بن علی نوبختی و محمدبن مروان طیب سرخسی می پردازد.

در فصل ششم، «عصر آل بویه و آغاز آزادی های نسبی شیعیان بغداد» مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. نویسنده ابتدا به بررسی عوامل مؤثر در تسلط آل بویه بر بغداد پرداخته و سپس عوامل ضعف و انحطاط دستگاه خلافت را مقارن ظهور آل بویه و تسلط بر بغداد بیان می کند. در ادامه تسامح و تساهل آل بویه نسبت به خلفای عباسی و مذهب تسنن در عراق مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و علل این تسامح به ترتیب اولویت بیان شده است. نویسنده یکی از عوامل مهم تسامح مذهبی آل بویه را نسبت به خلفای عباسی و سنیان، وجود رقابت بین فرمانروایان آل بویه با سامانیان، غزنویان و سلجوقیان می داند. بررسی دوران امارت امیران شیعی آل بویه در بغداد، از احمد معزالدوله تا ملک الرحیم آخرین امیر بویه در این شهر، بخش پایانی این فصل است.

در فصل هفتم، «بزرگان علمی، سیاسی و شیعی بغداد در عصر آل بویه» مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. نویسنده در این فصل ضمن بررسی و بیان زندگی اجتماعی بزرگان علمی - سیاسی شیعی در بغداد عصر آل بویه، به معرفی تألیفات علمی - دینی آنها نیز پرداخته است.

نویسنده در ادامه این فصل به طور مفصل زندگی اجتماعی، سیاسی و علمی شیخ صدوق و شیخ مفید، دو تن از بزرگترین دانشمندان شیعه در سده چهارم هجری را مورد بررسی قرار داده است. بخش پایانی این فصل بررسی زندگی اجتماعی، سیاسی و شخصیت علمی شیخ طوسی است. بعد از ذکر مهم ترین تألیفات این دانشمند بزرگ، به بیان حوادثی که بعد از هجوم طغرل به بغداد در سال ۴۴۷ برای این دانشمند بزرگ شیعی رخ داده، پرداخته شده است.

در فصل هشتم که آخرین فصل کتاب است، «انقراض آل بویه و سلطه سلجوقیان بر بغداد» مورد بررسی قرار گرفته است. مؤلف ضمن بیان قیام بساسیری در بغداد و تلاش او در جهت استقرار قدرت فاطمیان در این شهر، به ذکر دلایل و انگیزه های خصومت بساسیری با خلیفه عباسی پرداخته است. بنا به نوشته مؤلف، یاس بساسیری از آینده خویش و گرایش خلیفه به نیروی جدید، یعنی طغرل سلجوقی از عوامل و انگیزه های مهم خصومت وی با خلیفه عباسی بوده است.

در پایان این فصل مؤلف تجدید حیات قدرت خلافت عباسی را بعد از ورود طغرل به بغداد و انقراض سلسله آل بویه و آغاز مجدد فشار بر شیعیان مورد بررسی و تحلیل قرار داده است.